

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مبیاد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مبیاد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر عبدالحنان روستائی
۱۸ اگست ۲۰۰۹

در جهان یک نعمت وجود دارد که آزادیست!

(به مناسبت نودمین سالروز استرداد استقلال افغانستان)

افغانستان در طول تاریخ خود پیوسته مورد حملات بیگانگان، جهانگشایان و سلطه جویان قرار گرفته که نمونه های آن به طور مثال در قرون قبل از میلاد عبارتند از: حملات هخامنشی ها در قرن ۶ قبل از میلاد، تجاوز اسکندر مقدونی در قرن ۴ قبل از میلاد و حملات کوشانیها در قرن اول قبل از میلاد. موریها و ساسانی ها در قرن ۳ میلادی، یفتلی ها در قرن ۵ میلادی، اعراب در قرن ۷ میلادی نیز بر افغانستان تجاوز نمودند. به تعقیب آن حملات شیبانیها، مغل ها، ترک ها، صفویها صورت گرفت. تجاوزات انگلیس ها در قرن ۱۹ و آغاز قرن ۲۰، تجاوز روسها در اخیر قرن ۲۰ و اینک تجاوز امریکا و ناتو که در آغاز قرن ۲۱ صورت گرفت ادامه همان تجاوزات اجنبی در قرن ۱۹ و قرن ۲۰ می باشد.

و اما مردم افغانستان در سراسر این قرون متمادی به قیمت جان و مال خود و با ایثار خونهای فراوان و قبولی ویرانی خانه و کاشانه از میهن خود دفاع کرده و چه بسا که شیرازه امپراتوریها را در کشور خویش از هم گسسته اند. چنانکه زخم برداشتن اسکندر در افغانستان در سالهای قبل از میلاد باعث سقوط امپراتوری عظیم او گردید. همچنانکه شکست انگلیس در تجاوز سومش بر افغانستان، امپراتوری او را که به اصطلاح آفتاب در آن غروب نمی کرد، از هم پاشاند. شکست اتحاد شوروی سابق و پیمان وارسا که در پیشروی چشمان نسل حاضر صورت گرفت، نیز نتیجه مبارزات قهرمانانه مردم افغانستان است. و اینک همین مردم گرسنه و پا برهنه ولی متهور، شجاع و از خود گذر با مقاومت خویش متجاوزین امریکائی و ناتو را به مصاف می طلبد، چنانکه این متجاوزین پیوسته از مراکز خویش کمک مزید و سپاهیان تازه دم می طلبند. بنا بر حکم تاریخ که "تجاوز محکوم به شکست است" و با ایثار قیاس نا پذیر مردم افغانستان، دیری نخواهد پائید که امپریالیزم امریکا نیز به چنان شکست فاحشی مواجه شود که امپراتوری های اسلاف او نیز شده بودند.

دلیل اینکه چرا امپراتوری های عظیم جهانی در افغانستان شکست می خورند یکی این است که باشندگان افغانستان را مردمان آزادیخواه و آزادی دوستی تشکیل می دهند که برای حصول آزادی همیشه با حفظ وحدت ملی از جان و مال خویش گذشته و خونهای گرانبهای خود را در محراب آزادی کشور به ودیعه گذاشته اند تا درخت تنومند آزادی آبیاری گردد. دلاوری و شهادت مردم افغانستان به مصداق آنکه "هر که از جان بگذرد، امپراتور را به زمین میکشد"، همیشه متجاوزین را به حیرت انداخته است. زنده یاد میر غلام محمد غبار در رابطه به تجاوز اول انگلیس بر افغانستان این روحیه را چنین انعکاس می دهد:

«روز ۲ نومبر ۱۸۴۲ در تاریخ افغانستان و هندوستان یکروز عمده است. این روزیست که یک امپراتوری بزرگ اروپایی از مردم یک کشور آسیایی برای همیشه شکست میخورد. از مشخصات این روز در افغانستان تبارز روحیه وحدت ملی در برابر تجاوز بیگانه است. صفوف مردم بدون امتیاز نژاد و زبان و مذهب و منطقه تحکیم شده بود.» (افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵۴۸).

زنده یاد غبار می نویسد:

«اینست که بار دیگر میرفت یکی از مشخصات ملی افغانستان تبارز کند و آن اینکه در مقابل دشمن خارجی طبقات مختلف کشور در صف متحدی قرار گیرند، اعم از دهقانان و پیشه‌وران و اکثریت فیودال و روحانی و غیره» (افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵۳۹). «البته معنویات جنگ آوران افغانی از دشمن برتر بود. هر سواره افغانی یک پیاده را برداشته وارد میدان جنگ میکرد. تفنگچی افغان از فاصله ۳۰۰ متر هدف را خطا نمیکرد. توپچی افغان گله‌های نه پونده دشمن را بعد از اغتنام توسط چکش کوفته و در توپهای ۶ پونده خود استعمال میکرد. افراد هر یک در زمستان پوستینچه‌یی در بدن، سناچی از تلخان یا گندم بریان در پشت، کدو صراحی پر از باروت در کمر بند و سواره مقداری از علفه اسپ در خرچین خود داشت. این قشون در هوای آزاد و بعضاً روی برف میخوابید و با مثنی از گندم و تلخان تغذیه میکرد. البته مبارزین افغانی بی قوت الظهر نبودند. زنان برای آنان نان می پختند و در عبور سپاه دشمن از بازار ها، سنگ و کلوخ و آب جوش بر فرق ایشان می ریختند. ملاها در دهات گردش کرده، ملاک و غله داران را از فروش غله بدشمن باز میداشتند. نوکران رسمی دولت و ملازمان شخصی افسران، اخبار و مکاتبات سری دشمن را به اردوی ملی میرساندند. صنوف مختلفه مردم متحداً جان و مال خود را در راه دفاع آزادی کشور وقف کرده بودند. پس غلبه چنین جنگاورانی بر یک اردوی اجنبی حتمی بود» (افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵۴۴).

از جانب دگر یک مشت مزدور و وطنفروش، ذلیل و زالو با دشمنان وطن همکاری کرده و برای تسخیر کشور خود به متجاوزین یاری رسانده اند و دولت های وابسته و مستعمره ایجاد کرده اند که نمونه های آن دولت های پوشالی شاه شجاع، امیر دوست محمد خان، امیر عبدالرحمان خان، سلاله نادری، حکومت خلق و پرچم، طالبان و اینک دولت دست‌نشانده کرزی از همین نوع اند. زنده یاد غبار در این خصوص نوشت:

«هر باریکه قوت انگلیس داخل افغانستان شده است تنها وقتی پیشرفت کرده است که طرف آن دولت های افغانستان قرار داشته است، ولی زمانیکه مردم افغانستان قیام کرده و بمبارزه علیه آن پرداخته است، قوای انگلیس شکست خورده و مجبور به تخلیه کشور شده است. وقتیکه مردم یک کشور بمبارزه مسلح قیام کنند قدرت هیچ کشور استعماری نمیتواند آنرا سرکوب کند» (افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵۴۵).

این حقیقت در مورد تهاجم روسها در افغانستان و مزدور منشی خلقیها و پرچمیها و سر انجام موفقیت مردم ما مصداق یافت و در خصوص واقعات جاری کشور و مزدوران جدید نیز صادق است.

در تجاوز روس بر افغانستان همه مردم افغانستان سهیم بودند و در مقابل دشمن خارجی که تا دندان مسلح بود طبقات مختلف کشور بخصوص طبقات فقیر و پا برهنگان در صف متحدی برای دفاع از خاک خود جنگیدند. اینها جان و مال خود را فدای آزادی میهن نموده و آخرین عسکر متجاوز روسی را به تاریخ ۱۵ فیروی ۱۹۸۹ از کشور شان بیرون ریختند. اینک این وطنخواهان در برابر استعمار نوین غرب نیز مبارزه میکنند. هرچند استعمار نوین توانسته است که تا حدی مردم را به این بفریبد که گویا آنها به اساس فیصله ملل متحد و جهت مبارزه با تروریسم و باز سازی به افغانستان آمده اند. ولی مردم اهداف اصلی استعمار نوین را درک کرده اند. وضع کنونی طوریت که در یک طرف استعمار نو سایه افکنده و در جانب دیگر نیروهای سپاه و تاریخزده طالبی مقاومت اصیل مردم را دزدیده اند. علاوه بر این بسیاری ملا های رسمی و دولتی و دولتمردان در مقابل پول زیر فرمان استعمار رفته و در ریختن خون مردم خود به متجاوزین مدد می رسانند. ولی این نیرو های مزدور میرنده بوده و از نظر کمی و کیفی اهمیتی ندارند، در حالی که نیروهای اصیل مقاومت را طبقات وسیع فقیر و پا برهنگان افغانستان میسازند که در بر گیرنده اکثریت جامعه می گردد. با این همه نا سازگاریها، مقاومت واقعی مردم سر کشیده است و این مبارزه بر حق نیز سرانجام به شکست و سر افکندگی استعمار و به پیروزی و سرخرویی مردم افغانستان و کسب استقلال این کشور می انجامد.

آری! استقلال کشور که به همت مردم افغانستان و به قیادت شاه امان الله خان حاصل گردیده، نقطه عطفی در تاریخ این کشور محسوب می گردد. شاه امان الله که با اتکا به نیروی ملت در برابر استعمار انگلیس با شهامت زایدالوصفی مبارزه نمود، سر انجام موفق گردید که استعمار انگلیس را به زانو در آورده و افغانستان آزاد، سرخروی و سر فراز را در قطار ملل آزاد جهان، به جایگاهی که شایسته اوست قرار دهد تا برای ملل اسیر سرمشق شود. شاه امان الله و یاران او هیچگاهی به استقلال تحت شرط و شروط و آزادی نیم بند اعتقاد نداشته، بلکه برای حصول آزادی مکمل و همه جانبه و استقلال عام و تام کشور مبارزه نمود. در این خصوص لازم است نقل قولی از شاه امان الله که مصداق افکار آزادیخواهانه اوست آورده شود. شاه امان الله خان به مجرد تاجپوشی استقلال افغانستان را اعلام کرد و گفت:

« من خود را از لحاظ جمیع امور داخلی و خارجی بصورت کلی آزاد، مستقل و غیر وابسته اعلان میدارم و به هیچ قدرت خارجی اجازه داده نخواهد شد تا یک سر مو به حقوق و امور داخلی و سیاست خارجی افغانستان مداخله کند و اگر کسی زمانی چنان تجاوز نماید، من حاضرم با این شمشیر گردنش را قطع کنم.»

آنوقت خطاب به سفير انگلیس که حاضر مجلس بود، گفت:

«آنچه گفتم فهمیدی؟»

اینست نمونه واقعی آزادی و آزادیخواهی و آزاد منشی.

چون دولت امانی یک دولت مستقل و ملی بود، لذا بعد از کسب استقلال افغانستان برنامه های وسیع برای آبادی و عمران مملکت طرح و تا حدودی عملی گردیده بیشتر از صد قانونی که حافظ منافع مردم افغانستان بود، تصویب شده و

راه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی افغانستان هموار گردید. در صدر این همه تلاش ها و کوشش های فراوان تحکیم استقلال و آزادی، حاکمیت سیاسی، تمامیت ارضی کشور بود. زیرا شاه امان الله و یاران او چون باقی مردم افغانستان دانسته بودند که :
"در جهان یک نعمت وجود دارد که آزادیست".

پورتال افغانستان آزاد - آزاد افغانستان که با نودمین سالروز استرداد استقلال افغانستان یک سال از فعالیت های نشراتی اش می گذرد، در پخش آرمانهای آزادیخواهانه فعالیت می نماید، به امید آنکه مردم افغانستان شاهد آزادی را بار دیگر به آغوش کشند.

درد بر روان آنهایی که خونهای پاک شان را برای آزادی کشور اهداء کردند!

مرگ بر تجاوز و استعمار!